

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۲۳ اپریل ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت.

سرکشی احمدی نژاد، به یک رسوایی جدید برای خامنه‌ای و جمهوری اسلامی انجامید:

وقتی که یک نظم اقتصادی - اجتماعی و سیاسی به دوران زوال و گنبدگی خود می‌رسد، بحران‌های متعدد و علاج ناپذیر رخ می‌دهند. تمام تلاش طبقه حاکم، برای علاج این بحران‌ها با ناکامی روبرو می‌گردد. این شکست‌ها، در درون طبقه حاکم شکاف می‌اندازد و پی در پی آن‌ها را به اجزائی تجزیه می‌کند که مدام درگیر نزاع‌های درونی می‌شوند. اوضاع آشفته طبقه حاکم بر ایران، آئینه تمام‌نمای یک نظم پوسیده است.

ظاهراً عجیب می‌رسید که روزی احمدی نژاد، کسی که رفتارش در برابر خامنه‌ای، همچون یک نوکر در مقابل ارباب بود و اربابی که توجهی ویژه به این نوکر داشت، رو در روی یکدیگر قرار گیرند. اما بحران‌های طبقه حاکم، از جمله بحران در درون حکومت و دستگاه دولتی، به درجه‌ای است که مدام باید تجزیه و شکاف را باز تولید کند و امکان استثنائات را نیز به حداقل برساند. بنابراین، تعجب‌آور نبود که از روز یکشنبه این هفته، نزاع جدیدی در درون هیأت حاکمه رخ داد که این بار، دو طرف اصلی درگیری، احمدی نژاد و خامنه‌ای بودند که مستقیماً در مقابل یکدیگر قرار گرفتند.

این نزاع که مدتی در خفا جریان داشت، از روز یکشنبه با برکناری وزیر اطلاعات، آشکار و علنی شد. علت این برکناری چه بود؟ اصل ماجرا به تلاش احمدی نژاد برای تمرکز تمام قدرت در دستگاه اجرائی و قدرت‌گیری روزافزون او در درون دستگاه دولتی بازمی‌گردد که خامنه‌ای را نیز که از پشتیبانان و تقویت‌کنندگان وی بود، هراسناک کرد. از این رو تضعیف موقعیت احمدی نژاد را که حالا دیگر برای عزل و نصب‌های خود، افسارگسیخته بود و توجهی به نظرات خامنه‌ای نداشت، آغاز کرد. با اشاره خامنه‌ای بود که وزیر اطلاعات، تصفیه طرفداران احمدی نژاد را از پست‌های بالای وزارت اطلاعات آغاز نمود. تا جایی که علنی شده است، وزیر اطلاعات، بدون هر گونه مشورتی با احمدی نژاد که ظاهراً و در شکل رسمی، رئیس او محسوب می‌گردد، بناء به گزارش‌های مختلف، یک یا دو تن از معاونان وزارت اطلاعات را که وابسته به باند احمدی نژاد بودند، برکنار کرد. احمدی نژاد هم که می‌دانست قضیه از کجا آب می‌خورد، در حالی که آگاه بود، وزیر اطلاعات، در زمره چندین وزارتخانه

حساس رژیم است که با نظر مستقیم خامنه‌ای گمارده می‌شوند، بدون هرگونه مشورت و نظرخواهی از خامنه‌ای، او را برکنار کرد. احمدی‌نژاد، برای این که خامنه‌ای را هم در مقابل عمل انجام شده قرار دهد، یکشنبه شب، حکم عزل وزیر اطلاعات را که برای حفظ ظاهر قضیه، استعفاء قلمداد شده بود، در سایت‌ها و برخی خبرگزاری‌های رسمی دولتی انتشار داد. در عین حال، طی یک حکم دیگر، او را به عنوان مشاور امنیتی و اطلاعاتی خود تعیین نمود. هنوز مدتی کوتاه از انتشار این خبر نگذشته بود که یک خبرگزاری دولتی دیگر به نام فارس اعلام نمود که به دستور خامنه‌ای، وزیر اطلاعات، ابقاء شده است.

این خبرگزاری نوشت: "پس از آن که سایت‌های متعلق به دولت از پذیرش استعفای مصلحی از وزارت اطلاعات، توسط احمدی‌نژاد خبر دادند، وی به دلیل مخالفت مقام معظم رهبری با کناره‌گیری‌اش در وزارت اطلاعات ماندنی شد." اما احمدی‌نژاد، واکنشی در برابر دستور خامنه‌ای نشان نداد و احکام وی در مورد وزیر اطلاعات، در سایت‌های رسمی دولت باقی ماندند. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی، ایرنا از انتشار خبر انتصاب وزیر اطلاعات توسط خامنه‌ای سر باز زد و چند ساعتی پس از انتشار این خبر، تنها اعلام کرد که پس از انتشار خبر رسمی استعفای مصلحی، برخی خبرگزاری‌ها گزارش دادند که وی به دلیل مخالفت خامنه‌ای در وزارت اطلاعات ماندنی شد. به زبانی صریح‌تر، یعنی خبر رسمی، برکناری وزیر اطلاعات است و گزارشات دیگر غیر رسمی.

کشمکش ادامه یافت. احمدی‌نژاد از پذیرش دستور خامنه‌ای مبنی بر ابقای وزیر اطلاعات سر باز زد. تا جایی که خامنه‌ای روز چهارشنبه ناگزیر شد، رسماً پذیرای یک رسوائی دیگر برای خود و جمهوری اسلامی شود. وی نامه‌ای مستقیماً به وزیر اطلاعات نوشت و دستخط آن را نیز انتشار داد، تا لاقلاً مقامات وزارت اطلاعات را از سردرگمی درآورد. چون از یک طرف، وزارت اطلاعات رسماً و بر طبق قوانین جمهوری اسلامی تابع دولت است و رئیس جمهوری، و احمدی‌نژاد رسماً وزیر اطلاعات را برکنار کرده است، اما حالا خبرهائی انتشار یافته بود که خامنه‌ای از بالای سر دولت، مستقیماً وزیر منصوب کرده است. گرچه، این را هر کس می‌داند که در جمهوری اسلامی علاوه بر این که تمام ارگان‌ها و مقامات، مستقیم و غیر مستقیم منصوب یک دیکتاتور به نام ولی فقیه‌اند، و این نیز پوشیده نیست که وزرای نظامی و امنیتی و ایضاً وزارت امور خارجه و کشور با نظر مستقیم خامنه‌ای منصوب می‌شوند، اما این دیگر یک رسوائی تام و تمام است که خامنه‌ای خود علنی و مستقیم وزراء را عزل و نصب کند و ظاهرسازی قوانین خود را در انظار عمومی افشاء نماید.

روز چهارشنبه، یعنی سه روز پس از عزل وزیر اطلاعات، مقامات این وزارتخانه را جمع کردند که با خواندن نامه خامنه‌ای، یک بار دیگر آن‌ها بیعت خود را با خامنه‌ای اعلام کنند و وزیر اطلاعات منصوب وی را تأیید نمایند. خامنه‌ای در این نامه که تاریخ آن ۳۰ فروردین است، خطاب به مصلحی از ابقای او خبر می‌دهد و می‌گوید: "از شما می‌خواهم بیش از پیش در انجام مأموریت‌های مهم داخلی و خارجی اهتمام به خرج داده... و اجازه ندهید کوچکترین فترت و سستی در انجام وظایف قانونی آن دستگاه مهم پیش آید." خامنه‌ای همچنین از اطلاعاتی‌ها خواست که با دیگر دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی همکاری کنند.

همزمان، گروه‌های رقیب احمدی‌نژاد که فرصت مناسبی برای حمله به او پیدا کرده بودند، حملات متمرکزی را علیه وی سازمان دادند.

توکلی رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس که از رقبای سرسخت احمدی‌نژاد است، گفت: خامنه‌ای یکشنبه شب، حکم حکومتی خود را کتباً به رئیس جمهور ابلاغ کرده بود. با این وجود همکاری در این زمینه صورت نگرفته بود. نامه به مصلحی برای تثبیت وزیر اطلاعات در بین همکاران خود و دولت بود. وی افزود: همه رؤسای دولت از ابتداء

تاکنون در انتخاب و کنار گذاشتن و یا تغییر وزرای خارجه، دفاع و اطلاعات نظر موافق خمینی و خامنه‌ای را جلب می‌کردند. این بار نیز باید همین طور می‌شد. چه احمدی‌نژاد مصلحی را برکنار کرده باشد و چه آن که ادعا می‌شود استعفاء داده بود، می‌بایستی نظر مثبت خامنه‌ای را داشته باشد، اما این کار را نکرد و طبیعی‌ست که رهبری جلوی آن را بگیرند. واعظ طبسی تیولدار معروف خراسان، احمدی‌نژاد را در مورد حمله قرار داد و گفت:

"هیچ قدرتی نمی‌تواند در برابر امام جمعه که مقام معظم رهبری است، تصمیم‌گیرنده باشد و مشروعیت تمام عزل و نصب‌ها با رهبری است." یکی دیگر از آخوندهای گردن کلفت رژیم، به نام خزعلی، احمدی‌نژاد را به تبعیت از حکم خامنه‌ای فراخواند.

نمایندگان مجلس، روز چهارشنبه یک بیانیه دسته‌جمعی صادر کردند و گفتند: مجلس همچنان، مصلحی را وزیر اطلاعات می‌داند و از احمدی‌نژاد خواستند که از خامنه‌ای تبعیت کند و با موضع‌گیری صریح به حمایت از وزیر اطلاعات به سوءاستفاده دشمنان خاتمه دهد.

احمدی‌نژاد، اما همچنان سکوت کرده است، نه حکم جدیدی در مورد وزیر اطلاعات صادر کرده است، نه انتصاب وزیر اطلاعات از سوی خامنه‌ای را رسماً تأیید کرده است و نه "موضع صریحی به حمایت از وزیر اطلاعات" گرفته است.

حالا همه رقبای احمدی‌نژاد و حتا شخص خامنه‌ای مانده‌اند که دیگر چه باید بکنند. نه در شرایطی قرار دارند که بتوانند او را عزل کنند و نه می‌توانند به سادگی از این نافرمانی بگذرند. اگر بخواهند او را برکنار کنند، اوضاع بحرانی رژیم را از آن‌چه که اکنون هست وخیمتر خواهد شد. اگر او را به حال خود بگذارند، دیگر حتا خامنه‌ای هم نمی‌تواند جلودار او باشد و از آن مهمتر، دیگر حتا ته مانده باندهای درونی رژیم برای او تره هم خرد نخواهند کرد و اقتضای موجود، ابعاد وسیعتری به خود می‌گیرد. تلاش گروه‌هایی از هیأت حاکمه برای آشتی دادن طرفین نبرد و برای حفظ ظاهر قضیه نیز مشکل را حل نخواهد کرد. جمهوری اسلامی، هر لحظه با بن‌بست‌های جدید روبرو می‌گردد. مورد اخیر هم بن‌بست دیگری‌ست که از این پس با آن روبرو خواهد بود. از پرده برون افتادن درگیری و کشمکش احمدی‌نژاد و خامنه‌ای، ضربه دیگری‌ست بر پیکر پوسیده جمهوری در حال اضمحلال اسلامی و روند فروپاشی آن. این درگیری و کشمکش از این پس مدام تشدید خواهد شد.

وحشی‌گری جمهوری اسلامی در خوزستان

جمهوری اسلامی، در این هفته، باز هم جنایت فجیع دیگری آفرید و گروهی از مردم ایران را در خوزستان به قتل رساند، گروهی را مضروب و تعدادی را هم دستگیر و روانه زندان‌ها کرد. مردم عرب خوزستان در سالروز تظاهرات سال ۱۳۸۴ که در اعتراض به سیاست دولتی پاکسازی قومی برپا شده بود و جمهوری اسلامی با کشتار وحشیانه، این اعتراض را سرکوب کرد، از شامگاه ۲۶ حمل ۱۳۹۰ تظاهراتی مسالمت‌آمیز را در مناطق مختلف اهواز به راه انداختند. این تظاهرات که در روز بعد نیز ادامه یافت، با سرکوب خشن و بی‌رحمانه نیروهای نظامی رژیم روبرو گردید. واحدهای پولیس و نیروهای امنیتی، مردم را در شهر حمیدیه به گلوله بستند که در جریان این وحشی‌گری تعدادی از مردم کشته و زخمی شدند. اعتراضات به محلات و شهرهای دیگر نیز گسترش یافت، که نیروهای نظامی با بی‌رحمی، مردم را در این مناطق نیز کشتار و سرکوب کردند. آخرین اخبار این وحشی‌گری نیروهای سرکوب حکومت اسلامی که در اواسط این هفته انتشار یافت، حاکی از کشته شدن دوازده تن از مردم، زخمی و مضروب شدن بیش از ۲۰ نفر و بازداشت ده‌ها نفر از مردم معترض بود.

این نه اولین و نه آخرین اقدام جنایتکارانه حکومت اسلامی علیه مردم ایران، به ویژه مردمی است که از ستم‌گری ملی رژیم نیز رنج می‌برند. اما این سرکوب‌گری‌ها نه تا به امروز توانسته و نه می‌تواند مردم را از مبارزه برای تحقق مطالبات خود بازدارد.

رژیمی که در ماهیتش نیست تا در برابر خواست‌های مردم تمکین کند، رژیمی که تمام موجودیت خود را بر سرنیزه بنا کرده است، جز سرکوب، کشتار و اختناق، وسیله‌ای برای تداوم حیات ننگین خود ندارد. از این‌روست که هر چه نارضایتی و اعتراض مردم نسبت به نظم موجود افزایش می‌یابد و بالنتیجه وضعیت خود را متزلزل‌تر می‌بیند، بر دامنه وحشی‌گری و سرکوب می‌افزاید. اما اگر ده‌ها برابر نیز بر این اقدامات سرکوب‌گرانه خود بیفزاید، قادر نخواهد بود، در برابر مردمی که به مبارزه برای تحقق مطالبات خود به پا خاسته‌اند، دوام آورد و سرانجام به دست همین مردم سرنگون خواهد شد.

آنچه تا به امروز به رژیم امکان داده به حیات خود ادامه دهد و جنبش‌های متعدد مردم ایران را سرکوب کند، پراکندگی این جنبش‌ها و فقدان یک رهبری واحد و انقلابی بوده است. اگر توده‌های مردم ایران متحد و متشکل در سراسر ایران به نبرد برخیزند، در آن صورت رژیم با تمام نیروی مسلح آن قادر نخواهد بود، این مبارزه را در هم شکند و مردم را سرکوب کند. توده‌های مردم سراسر ایران باید این نقطه ضعف را برطرف کنند. بدون اتحاد سراسری توده‌های مردم ایران، بدون رهبری انقلابی که در ایران امروز به جز طبقه کارگر هیچ نیروی دیگری نمی‌تواند باشد، مردم ایران نمی‌توانند به پیروزی برسند و رژیم حاکم نیز همچنان مبارزات پراکنده را سرکوب و به وحشی‌گری ادامه خواهد داد. توده‌های مردم عرب خوزستان نیز برای تحقق مطالبات خود و نجات از شر فجایع جمهوری اسلامی راه دیگری در پیش ندارند، جز آن که یار، متحد و نجات‌بخش خود را در طبقه کارگر ایران جستجو کنند.

مطالبات مردم عرب خوزستان برای برانداختن تبعیض، ستم و تحقیر ملی، کسب برابری، برخورداری از خودمختاری منطقه‌ئی و نجات از فقر و گرسنگی، مطالبات به حقیقت که تنها یک حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان می‌تواند آن‌ها را محقق سازد.

موج جدید افزایش قیمت‌ها، از اول ثور [اردیبهشت] آغاز می‌گردد

در این هفته خبرهای جدیدی از افزایش مجدد بهای کالاها و خدمات، از اول ماه ثور انتشار یافت. مقامات دولتی و سرمایه‌داران به اظهار نظر پیرامون این مسأله پرداختند. تا جایی که اخبار این گران شدن مجدد کالاها و خدمات انتشار یافته، قرار است، بهای نان یک بار دیگر افزایش یابد. بهای گاز و برق و کرایه تاکسی‌ها، بهای تکت اتوبوس‌ها و برخی دیگر از وسایل حمل و نقل نیز رسماً افزایش می‌یابد.

رئیس اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان نان کشور اعلام کرد، توافق ما با سازمان حمایت تا آخر حمل بوده است و از ابتدای ماه ثور قیمت‌ها افزایش می‌یابند. وی افزود: از آنجایی که بهای مواد اولیه افزایش یافته است، و توافق ما تا پایان حمل [فروردین] بوده است، بنابراین از ابتدای ثور، قیمت نان صنعتی افزایش پیدا می‌کند.

خبرگزاری مهر، گزارش کرد که کارگروه طرح تحول اقتصادی، پس از بررسی نهائی تصمیم به افزایش ۱۰۰ تومانی قیمت هر کیلو گندم دارد. به این اساس بهای هر قرص نان سنگک با ۱۰۰ تومان افزایش به ۵۰۰ تومان، تافتون از ۲۰۰ تومان به ۲۵۰ تومان، بربری از ۳۰۰ به ۴۰۰ تومان و لواش از ۱۰۰ به ۱۵۰ تومان افزایش مس یابد. در حالی که این خبرگزاری افزایش بهای نان را بر مبنای افزایش بهای گندم از ۲۵۰ به ۳۵۰ تومان قرار داده

بود، روز پنجشنبه، معاون وزیر بازرگانی اعلام نمود که قیمت گندم به هر کیلو ۳۶۰ تومان افزایش می یابد و این قیمت تصویب شده کارگروه تحول اقتصادی است.

خبرگزاری ایسنا از قول رئیس شورای اسلامی شهر تهران گزارش کرد که نرخ واقعی افزایش کرایه تاکسی‌ها ۳۲ درصد است، اما عجالتاً افزایش ۱۵ درصدی را تأیید کرده است. سخنگوی شورای شهر تهران، برای این که چنین وانمود کند، گویا این شورای قلبی جانب مردم را گرفته است، ادعا کرد که حالا باید تاکسی‌رانان را قانع کنیم با این افزایش ۱۵ درصدی موافقت کنند. همچنین اعلام شد که تکت اتوبوس‌ها به ۵۰ تومان افزایش می یابد. رئیس این شورا افزود:

افزایش ۵۰ تا ۷۵ تومان برای تکت معقول به نظر می‌رسد. قرار بود تا آخر این هفته تعرفه‌های جدید گاز بها و برق که از ۱۵ حمل به مرحله اجراء درمی‌آید، در این هفته انتشار یابد، اما خبری نشد. با این وجود خبرگزاری مهر، از قول معاون وزیر نفت اعلام کرده تعرفه گاز مشترکان خانگی مجدداً افزایش یافت. خبرگزاری دیگری از قول معاون وزیر نیرو از افزایش بهای برق خبر داد، اما میزان دقیق افزایش بهای گاز و برق را اعلام نکردند. بنابراین روشن است که با افزایش مجدد بهای نان، گاز، برق و وسایل حمل و نقل عمومی، بهای کالاها و خدمات دیگر نیز از اول ماه ثور افزایش می یابد و مردم ایران باید در انتظار موج جدیدی از افزایش عمومی قیمت‌ها و جهش نرخ تورم باشند. این گرانی‌های روزافزون عواقب سیاست آزدسازی قیمت‌ها توسط دولت است که پایانی نیز بر آن متصور نیست.

توقف این افزایش روزافزون بهای کالاها و خدمات، بدون تغییر در سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی ممکن نیست. مردم ایران که مدام زیر فشار افزایش بهای کالاها فقیرتر می‌شوند، راهی جز اعتراض و مبارزه برای مقابله با آن ندارند. اگر مبارزه‌ای متشکل علیه این سیاست‌های دولت برپا نشود، چشم‌انداز یک زندگی تیره و تارتر از امروز در برابر مردم قرار خواهد گرفت. هیچ ملتی نمی‌تواند بدون مبارزه، بدون مبارزه‌ای همه جانبه و متشکل علیه طبقه ارتجاعی حاکم از بند فقر، بی‌حقوقی، استبداد و اسارت نجات یابد. باید به مبارزه‌ای همه جانبه علیه رژیم برخاست.